انترناسیونال 821

خلیل کیوان

**تنش جنگی در خدمت دیپلماسی و مذاکره**

تخاصم جمهوری اسلامی و آمریکا به نقطه جوش خود رسیده است. امروز، جمعه ٣١ خرداد، نیوریوک تایمز از تصمیم دولت آمریکا در شامگاه دیروز برای مقابله به مثل در پی حمله به پهپاد این کشور و صدور دستور حمله و سپس لغو آن، خبر داد. برای دولت ترامپ ارزش مصرف این تصمیم در نفس انتشار خبر آن است. این در واقع حلقه دیگری در دیپلماسی جنگ - مذاکره است که خصلت نمای رابطه دولت آمریکا و جمهوری اسلامی در دوره پر تنش اخیر بوده است.

تخاصم جمهوری اسلامی و آمریکا به نقطه جوشش خود رسیده است. دو طرف در حالیکه با مشت های گره کرده با هم سخن میگویند در عین حال تاکید میکنند که خواهان جنگ هم نیستند. در همان حال که امکان یک رویاروی نظامی را نفی نمیکنند، اعلام میکنند که آغازگر آن نیز نخواهند بود. ترامپ با تشدید فشارها تاکید میکند که خواهان مذاکره است و خامنه ای علی الظاهر با رد مذاکره، خواهان بازگشت به شرایط پیش از برجام. در پی هر رخداد تازه هر بار این سئوال مطرح میشود که گره کلاف این کشمکش چگونه باز خواهد شد. آیا این برخوردها به جنگ منجر می شود؟

اوضاع کنونی پایدار نیست. نه آمریکا می تواند به مواضع قبل از برجام بازگردد و نه جمهوری اسلامی می تواند در چنین شرایطی دوام بیاورد. فروش نفت از دو میلیون و نیم بشکه در روز به کمتر از چهارصد هزار بشکه رسیده است. زنگنه وزیر نفت جمهوری اسلامی می گوید این مقدار فروش هم خارج از عرف بازار و بصورت پنهانی و با دشواریهای زیاد فروخته میشود. این وضعیت برای اقتصاد متکی بر فروش نفت خرد کننده است.

دو طرف در موقعیتی نیستند که در گیر جنگ شوند. بنفع شان هم نیست. اما شروع جنگ همیشه بر اساس نقشه های از پیش طراحی شده نبوده است. هر اشتباه محاسبه و هر حادثه غیر قابل کنترل ممکن است بر خلاف آنچه میخواهند و یا بیان میکنند به رویارویی و تقابل نظامی منجر گردد. چنین تقابلی البته بدلایل مختلف بعید است به یک جنگ تمام عیار منجر شود.

شرایط و قطب بندی های جهانی و منطقه ای، اوضاع داخلی آمریکا و همچنین وضعیت شکننده جمهوری اسلامی امکان یک رویارویی تمام عیار را از دستور دو طرف خارج میکند. یک تهاجم تمام عیار شبیه حمله به عراق و افغانستان برای آمریکا غیر ممکن است. برای جمهوری اسلامی، جنگ با یک قدرت نظامی بمراتب برتر، حتی در شرایط مطلوب هم، یک انتخاب نیست. در شرایط کنونی که زیر فشارهای متعدد داخلی و خارجی قرار گرفته است، بالطبع از جنگ با یک قدرت نظامی فوق العاده برتر، پرهیز خواهند کرد.

رخدادهایی مثل انفجارهای ماه گذشته در چهار کشتی در فجیره و مین گذاری در دو کشتی دیگر در هفته گذشته و در پی آن پرتاب خمپاره بسوی سفارت آمریکا در بغداد و شلیک گلوله های توپ بسوی دفاتر شرکت های نفتی در بصره و همچنین شلیک به پهپاد آمریکایی و غیره اساسا مانورهای ماقبل مذاکرات است. سیاست تنش آفرینی بیشتر و القای امکان بروز جنگ و از این طریق بحرکت درآوردن نیروی دیپلماسی و فشار به آمریکا برای کوتاه آمدن در شرایط خود و پیش نهادن شرایطی که قابل قبول باشد، هدفی است که جمهوری اسلامی در این رشته رویداها دنبال میکند. در مقابل، سیاست آمریکا وارد کردن فشار حداکثری و حتی الامکان اجتناب از درگیری نظامی است. قطب نمای سیاست آمریکا کشاندن ایران بپای میز مذاکره است.

دو طرف در حالیکه به مذاکره می اندیشند آستانه تحمل و عقب نشینی یکدیگر را محک میزنند. امری که می تواند به در رفتن فنر تحمل یکسو منجر شود و با یک اشتباه محاسبه به یک رویارویی نظامی کشیده شود. آمریکا همزمان با تشدید فشارهای اقتصادی و افزایش حضور نظامی، تلاش های دیپلماتیک گسترده ای را در سطح داخلی و بین المللی در جهت حمایت از سیاست کشاندن جمهوری اسلامی به پای میز مذاکره در دستور قرار داده است. جمهوری اسلامی نیز در مقابل تلاش میکند با حادثه آفرینی محدود نظامی و حساب شده خطر جنگ را برجسته کند و کشورهای دیگر را وادار کند به آمریکا فشار بیاورند تا در خواسته های خود بازنگری کند.هر دو طرف در تلاش اند که موقعیت بهتری برای ورود به مذاکره داشته باشند و از موقعیت بهتری برای چانه زنی برخوردار باشند. سفر شینزوآبه به تهران و ملاقات با خامنه ای که بدنبال سفر ترامپ به ژاپن و ملاقات با وی صورت گرفت گامی در این جهت بود.

پاسخ منفی خامنه ای به شینزوآبه برای آغاز مذاکرات را نباید به معنی مخالفت او با اصل مذاکره تعبیر کرد. او بدنبال شرایط بهتر و تضمین های بیشتر از طرف مقابل است. عدم آمادگی جمهوری اسلامی که ترامپ به آن اشاره میکند تاکیدی بر همین موضوع است. در حالیکه رجز میخوانند و صحنه های زورآزمایی و نمایش ماهیچه ها را در مقابل دید میگذارند چه بسا در پشت پرده، مشغول چانه زنی و تعیین شرط و شروط خود برای مذاکره باشند. خامنه ای فی الحال با پذیرش شینزوآبه درب مذاکره را باز نگه داشته است. اگر او قصد مذاکره نداشت قاعدتا شینزوآبه، پیام رسان ترامپ را هم نمی پذیرفت. باید دقت کرد که خامنه ای اینبار بدون هیچ حائل و واسطه ای و بدون اینکه پشت سر مقامات و نهادهای دیگر حکومت پنهان شود، برای اولین بار بطور مستقیم با میانجی و فرستاده ترامپ وارد گفتگو شد.

اوضاع فعلی برای جمهوری اسلامی قابل دوام نیست. جنگ راه نجاتشان نیست. مذاکره و عقب نشینی هم به معنی اعلام شکست سیاست های تا کنونی است. این پارادکس به احتمال زیاد نهایتا به تن دادن خامنه ای به سرکشیدن جام زهر و "عقب نشینی قهرمانانه" دیگری منجر خواهد شد. نتیجه هرچه باشد جمهوری اسلامی ضعیف تر و متزلزل و بی افق تر از همیشه از این روند بیرون خواهد آمد.\*